

طرح افزایش درک مطلب کودکان دبستانی
با هدف توسعه سواد خواندن

پایه:

نام و نام خانوادگی:

پیدا

در کلاس درس



"دوره دوم"

(نجیمه جمالی)

۴- با کلمات داخل کادر یک جمله بنویس.

کردن- دهان- و- پریدن- همان- قرقاول- و باز- همان

۵- به ترتیب شماره گذاری کن.

با خود گفت: باید ادبش کنم تا دست از این کارهایش بردارد.

آقا روباه هم از پز دادن های پشمل خسته شده بود.

فهمید که او می خواهد خود نمایی کند.

آقا روباه وقتی قرقاول را در دهان پشمل دید،

۶- اگر شما به جای خرگوش بودید و از رفتارهای پشمل ناراحت می شدید، چه عکس العملی به او نشان می دادید؟ آیا شما هم از آنجا می رفتید؟

۷- روباه برای اینکه پشمل را ادب کند چه نقشه ای کشید؟

"معاونت آموزشی"

* قرقاول خوش شانس *

یکی بود یکی نبود خرسی بود به نام پشمل. او خیلی دوست داشت به این و آن پز بدهد. یک روز او قرقاول چاق و چله ای شکار کرد و گفت: "چه شانسی آوردم یک شام حسابی، ولی اول باید به همه نشان بدهم که چه شکاری کرده ام"

قرقاول بیچاره هنوز زنده بود؛ ولی پشمل او را بین دندان هایش گرفت و به راه افتاد. رفت و رفت تا به خانم خرگوشه رسید. خانم خرگوشه مشغول خوردن یک هویج آبدار بود. او قرقاول را لای دندان های خانم خرسه دید و با خود گفت: "باز این پشمل پیداش شد. پرنده بیچاره را به دهان گرفته و میخواهد پز بدهد. دیگر از کارهایش خسته شدم." پس قبل از آنکه او برسد، دوید و از آنجا رفت. پشمل از رفتن خانم خرگوشه خیلی حرصش گرفت. دماغش را جمع کرد و با خود گفت: "این خانم خرگوشه خیلی پررو شده، این دفعه اگر به من بی اعتنایی کند، به حسابش می رسم."

پشمل رفت و رفت تا به آقا روباه رسید. آقا روباهه وقتی قرقاول را دردهان خرس دید فهمید که او می خواهد خودنمایی کند. آقا روباهه هم از پز دادن های پشمل خسته شده بود و با خود گفت: "باید ادبش کنم تا دست از این کارهایش بردارد."

پس جلو رفت و گفت: "سلام پشمل، حالت چطور است؟ راستی هوا را نگاه کن فکر می کنی امروز باران بیاید؟" پشمل سرش را به علامت "نه" به طرف بالا تکان داد، خیلی دلش می خواست آقا روباهه چیزی هم در مورد قرقاول بگوید. آقا روباهه دوباره گفت: "خب پشمل ازت پرسیدم که چی فکر می کنی؟ امروز باران می آید یا نه؟"

"پشمل نمی خواست دهانش را باز کند، چون قرقاول هنوز زنده بود، پس سرش را به شدت به علامت نه تکان داد.

آقا روباه باز گفت: "من متوجه منظورت نمی شوم خانم خرسه، وقتی تو سرت را بالا و پایین تکان میدهی معنی اش آره است یا نه؟"

پشمل سرش را به چپ و راست تکان داد.

روباه گفت: "آها....متوجه شدم. وقتی سرت را به چپ و راست تکان می دهی معنی اش آره است. پشمل دوباره سرش را به طرف بالا تکان داد. آقا روباهه با بی حوصلگی گفت: "خب، بالاخره منظورت چیست؟ فکر می کنی باران می آید یا نه؟"

پشمل دیگر عصبانی شده بود. با حرص گفت: "نه ... " و باز کردن دهان همان و پریدن قرقاول همان.

قرقاول پر کشید و به سرعت از آنجا دور شد. پشمل خیلی عصبانی شده بود و حرص می خورد. آقا روباهه هم به راه افتاد و به طرف لانه اش رفت؛ در حالی که تمام راه را می خندید.



فرزندان دلبندم؛ دقت کنید و به سوالات زیر پاسخ دهید.

۱- پشمل اسم کدام شخصیت داستان بود؟

الف) روباه ب) قرقاول ج) خرس د) خرگوش

۲- خانم خرگوشه مشغول خوردن چه چیزی بود؟

الف) سبزی ب) هویج آبدار ج) کاهو د) گیاهان جنگل

۳- چرا خرگوش منتظر نماند تا پشمل برسد و تا قبل از رسیدن او رفت؟